
امام حسین
علیه السلام
وآزادی
سیدمحمدعلی مدرسی


بسم الله الرحمن الرحيم

امام حسین علیه السلام و آزادی

نویسنده:

محمد علی مدرسی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام حسین(ع) و آزادی

مشخصات کتاب

نویسنده: سید محمد علی مدرسی

امام حسین (ع) و آزادی

ناشر: سید محمد علی مدرسی

توضیحات: مقاله ای با عنوان امام حسین (ع) و آزادی

زبان: فارسی

حجم کتاب: ۳۲۳ کیلوبایت

تعداد صفحات: ۲۱

مقدمه

خدایا! گواهی می دهم که او (سید الشهدا)... جان خود را در راه تو تقدیم کرد تا بندگانت را از جهالت و گمراهی نجات دهد. (فرازی از زیارت اربعین

خلاصه

موضوع مقاله یکی از مهم ترین و شورانگیزترین اهداف امام حسین (ع)؛ یعنی «آزادی است از آن جا که آزادی تعریف ها و برداشت های بسیار متفاوتی دارد، مقاله می کوشد ویژگی آزادی از دیدگاه قهرمان عاشورا را به دست آورد. در این مورد - به ویژه - نگاهی به آزادی غربی و لیبرالی دارد و تفاوت آن را با آزادی حسینی باز می جوید. نخست تصویری کلی از آزادی در فرهنگ حسینی (از نظر مبانی و اهدف ارائه می شود، سپس آزادی در چند محور سیاسی و حقوقی با توجه با آموزه های سرور شهیدان بررسی می گردد.امام «انسان کامل است و امامت قلّه رفیع کمال هرچند امام در تمام ابعاد فکری اخلاقی و عملی اسوه و پیشواست و امامت ائمه (ع) مطلق و تجزیه ناپذیر است لکن هر یک از امامان (ع)، به تناسب زمان و مکان موقعیت اجتماعی خویش نمود و ظهور ویژه ای داشته اند. امام حسین (ع) - به خصوص - در عرصه کربلاـ تجلی خاصّی داشت و آزادی در کربلاـ از نمود ویژه ای برخوردار است امام حسین (ع) نماد همیشه جاوید حریت و آزادگی است اصولاً «شهید» و «شهادت جلوه والایی از «آزادگی است و - طبعاً - آن کس که «سید شهیدان است «سرور آزادگان نیز است کیست که گوشه ای از حادثه عظیم کربلا را بشناسد و عطر آزادگی را از آن استشمام نکند؟ امام حسین (ع) آزادی را در اصیل ترین و عمیق ترین نوع آن به انسان ها آموخت بسیارند

کسانی که از آزادی عدالت و... سخن می گویند، لکن فقط «سخن می گویند» و حداکثر تحلیل می کنند. آزادی عدالت و... را باید در عرصه عمل و در کوران حوادث و پیشامدهای سخت و نفس گیر نشان داد و شناساند. آزادی فرآیند آگاهی اخلاق و عمل است آن کس که آگاهی ندارد، از ارزش آزادی بی خبر است (گاه آزادی زِیانمند را به جای آزادی مطلوب می شناسد) و آن که اخلاق «آزاد منشی ندارد، انگیزه لازم برای به دست آوردن آزادی ندارد و آن کس که شهامت عمل ندارد، عاقبت در زنجیرظلم و اسارت باقی می ماند. امام حسین (ع) آزادی شناس بزرگ آزادمنش بزرگ و اقدام گر بزرگ است حادثه عاشورا - به ظاهر - کوچک و محدود بود؛ در مکانی کوچک و در زمانی اندک و با نفراتی معدود به وقوع پیوست اما چنان موجی آفرید که پس از هزار و چند صدسال انقلابی به وسعت و عمق انقلاب اسلامی ایران بر پا کرد. کربلا مرز زمان و مکان را در نوردیده و از چنان توانی برخوردار است که می تواند از پس قرن ها، ملت و ملت هایی را «حسینی کند.در هر صورت به یقین آزادی - در تعریفی خاص - یکی از آرمان های اصیل پایدار و عمومی بشر است شوق به آزادی - بدین معنا - با سرشت آدمی عجین شده است و این سرمایه همواره با انسان بوده و هست بنابراین گرایش به آزادی حقیقتی فطری و غریزی است لکن مفهوم آزادی - به معنای عام - منحصر به آنچه گفته شد (آزادی مطلوب فطری نیست بلکه واژه ای وسیع و کش دار است که مصداق های بسیار زیاد، متنوع

و حتی متضاد را شامل می شود. مکتب ها و نظریه های گوناگون نیز تعریف های بسیار متفاوتی از آن ارائه داده اند. توضیح این که آزادی در لغت به مفهوم «رهایی و فقدان قید و مانع است این رهایی نسبت به حوزه های گوناگون و قیدهای مختلف شکل های متفاوت به خود می گیرد. به تعبیر دقیق تر، آزادی غالباً دارای دو نوع قید است یکی با واژه «از» بیان می شود، مثل آزادی از قدرت ظالمانه آزادی از فشار تبلیغات و...، که نشان دهنده نوع «مانع است و دیگری با واژه «در» بیان می شود، مثل آزادی در تحصیل آزادی در شغل و...، که نشان دهنده «حوزه آزادی است با توجه به این مطلب آزادی به انواع فراوانی تجزیه و تکثیر می شود، مثل آزادی فکر، آزادی سفر، آزادی ازدواج آزادی علم آزادی مسکن آزادی رأی و... تا آزادی جنسی آزادی تهمت و... همچنین آزادی از قدرت ظالمانه آزادی از تعصب .. تا آزادی از دین آزادی از عقل و...مکتب های گوناگون هر کدام وجهی و گونه ای از آزادی را هدف خود قرار داده اند؛ به سخن دیگر، گستردگی مفهوم آزادی این فرصت را در اختیار افراد و عقاید مختلف قرار داده است تا هر کدام به سلیقه خویش گونه ای از آن را – به درست یا غلط – برگزینند. به همین دلیل ما با تعریف ها و تعبیرهای بسیار متفاوت و گاه متضادی از آزادی روبه رو هستیم تا آن جا که – به گفته برخی دانشمندان غربی – دویست تعریف از آزادی مطرح شده است آزادی از دیدگاه افلاطون و ارسطو، تا کسانی چون جان لاک روسو، مارکس و.. بسیار متفاوت است نظریه های ضد و نقیض و

تعریف های افراطی و تفریطی نوعی ابهام و آشفتگی در موضوع آزادی ایجاد کرده است علاوه بر این سوء استفاده ها و نیرنگ بازی ها به اسم آزادی بر آشفتگی قضیه افزوده است متأسفانه آزادی به خاطر جاذبه شدید سیاسی و عمومی آن گاه همچون ابزاری در دست قدرت طلبان و سیاست پیشگان در می آید و آنها، با فریب افکار عمومی قدرت و نفوذ خود را تحکیم می بخشند و مخالفان خویش را در عرصه سیاسی مغلوب می سازند.بنابراین این پرسش اساسی مطرح است که آزادی از دیدگاه سرور شهیدان چه تعریف و ویژگی هایی دارد و تفاوت آن با آزادی مطرح در مکتب های دیگر، به ویژه آزادی لیبرالیستی چیست و در تعبیری دیگر، امام شهیدان به دنبال آزادی «از چه چیز» و آزادی «در چه چیز» بوده است در این چند قرن اخیر که بحث آزادی از اهمیت و رونق خاصی برخوردار شده و آشفتگی هایی نیز بر آن حاکم گردیده است نیاز بیشتری به شناخت آزادی از دیدگاه معلم بزرگ آزادی احساس می شود. همین آشفتگی موجب شده است که گاه مرز آزادی اسلامی با آزادی غیر اسلامی به هم آمیخته گردد. این در آمیختگی هم از ناحیه کسانی است که آزادی حسینی را برنمی تابند و گونه ای از استبداد را جایگزین آن می کنند و هم از سوی ِ کسانی است که تحت تأثیر مکتب های دیگر، آزادی ِ «حسینی را با آزادی لیبرالی و غیر لیبرالی مخلوط می کنند. خلاصه آزادی شناسی حسینی یکی از نیازهای حیاتی فکری و عملی در عصر ما و – به ویژه – در کشور ماست بررسی همه جانبه این موضوع از حوصله این مقال بیرون است انشاء

الله در کتابی مستقل تحت عنوان «آزادی از دیدگاه اسلام و لیبرالیسم منتشر خواهد شد. اما برخی از ابعاد مهم این مسئله به اختصار، در این نوشتار بررسی می شود.

آزادی بی هدف آزادی هدف دار

آزادی در یک تقسیم بندی کلی به آزادی بی هدف و آزادی هدفدار تقسیم می شود. این تقسیم بندی از اصول زیر بنایی تر مایه می گیرد که ریشه در «انسان شناسی و «هستی شناسی دارد. زیرا آزادی به وسیله فلسفه و مبانی آن شکل و هویت می گیرد.

آزادی بی هدف

برخی تعریف ها و تفسیرها از آزادی که از سوی بعضی از مکتب ها و نظریه پردازها ابراز شده است ترسیم کننده «آزادی بی هدف است از دیدگاه آنها، آزادی به مفهوم «عدم دخالت ، «بی تفاوتی و رها کردن افراد به حال خود است این گروه دخالت و نظارت دولت و غیر دولت - جز به صورت حداقل و در چارچوب تأمین نظام و امنیت - را نفی می کنند.لیبرالیسم تقریباً از آغاز ظهور (سده هفدهم میلادی تا مدت ها چنین عقیده و روشی داشت «جان لاک دانشمند انگلیسی که از او به عنوان «بنیان گذار لیبرالیسم یاد می شود، در سخنی که از او نقل شده است می گوید: «بگذار هر فرد نابود کند یا بنا نهد و یا بسازد... هیچ کس گله نمی کند. هیچ کس او را (در دنیا) مورد سؤال قرار نمی دهد. او آزادی خود را داراست (مقصود جان لاک با توجه به مبانی فکری وی آزادی در اموال افکار و افعال مربوط به خود است نه ساختن و خراب کردن اموال دیگران .گفتنی است «جان لاک یک لیبرال میانه رو به حساب می آید. عده ای از لیبرال ها به دنبال ِ آزادی عریان تری هستند. یکی دیگر از دانشمندان غربی در تعریف آزادی می گوید: «آزاد بودن یعنی باز داشته نشدن از (هر) کاری که شخص می خواهد انجام دهد و مجبور نبودن به انجام (هر) کاری که شخص دوست ندارد انجام

دهـد.» سـپس اضافه می کنـد: «هر گونه محدودیتی بر این قدرت دو پهلو (انجام دادن آنچه دوست دارد و ترک آنچه دوسـت نـدارد)، هر قـدر انگیزه آن والا و هر اندازه عمل آن ضـروری باشد، مخل آزادی است » این دسـته از لیبرال ها تأکید می کنند قانون و مجریان قانون در مسائل سیاسی اخلاقی اقتصادی و غیر آن باید موضعی بی طرف و خنثی داشته باشند. نظارت بر امور اقتصـادی حتی برای تـأمین هـدف هایی چون عـدالت اجتماعی و حمایت از قشـرهای ضـعیف و آسـیب پـذیر نادرست و ضـد آزادی اسـت افرادی چـون «آدام اسـمیت و جریـان هـایی چـون «مکتـب منچسـتر» کوشـیدند برای ایـن گـونه آزادی - در بعد اقتصادی - لباس عملی بپوشاننـد. همان گونه که اشاره شـد، در بعد سیاسـی دینی و فرهنگی نیز همین منطق بر لیبرالیسم حاکم است این که مردم خـدا را می پرسـتند یـا شـیطان را، به دولت و مـدیریت جامعه مربوط نیست نشـریه ای که از اصول انسانی و معنوی حمایت می کند، با نشریه ای که از فحشا و بی بند و باری و نژاد پرستی ترویج می کند، از نظر قانون مساویند. تا زمانی که نظم و امنیت ظاهری رعایت می شود، خواست و عمل هر کس - هر چند انحرافی شیطانی - محترم است و به تعبیر یکی از لیبرال ها: «خواست هر انسانی (هر کس می خواهد باشد) برای خود قانونی حاکم است » .اگر بخواهیم به این نظریه (باتوجّه به سخنان برخی از هواداران آن صورتی عملی بـدهیم باید گفت آزادی در تمام عرصه های اقتصادی سیاسـی فرهنگی و... خود، تضمین کننده پیشرفت جامعه است همان گونه که رقابت و آزادی اقتصادی به رشد اقتصادی می انجامد، آزادی در

همه عرصه های سیاسی فرهنگی و مانند آن نیز عامل شکوفایی استعدادها و عرصه هر چه بیشتر و بهتر روش ها و منش ها می گردد. جامعه نیز راه تکاملی خود را از میان همین تنوع و گوناگونی پیدا می کند. به تعبیر دقیق تر: «این آزادی است که هدف ها را تعیین می کند،نه این که هدف ها آزادی را تعیین می کنند.» گفتنی است مکتبی که طرفدار این طرز فکر است «لیبرالیسم کلاسیک و آزادی مطرح در آن را «آزادی منفی (آزادی سلبی عدم دخالت می نامند.در هر صورت روشن است که آزادی در این تعریف غیر مسئولانه ولنگارانه و فاقد مبنای صحیح نمی تواند مطلوب و قابل دفاع باشد. گذشت زمان نیز نادرستی و ناکارآمدی آن را به وضوح نشان داد. به رغم موفقیت نسبی و کوتاهی که لیبرالیسم کلاسیک در آغاز به خاطر شرایط ویژه آن زمان به دست آورد، به زودی ضعف و انحراف بنیادی آن آشکار گردید؛ فسادهای اجتماعی ستمگری و زورگویی اشراف و سرمایه داران فقر و بدبختی توده های زیادی از مردم به ویژه وضعیت اسف بار کارگران (با حداکثر کار و حداقل دست مزد) و... شرایط غیر قابل تحمل و انفجارآمیزی ایجاد کرد.ظهور مکتب های لیبرالیسم بود که با ابزار «آزادی صورت می گرفت عاقبت لیبرالیسم بعد از ظهور پیامدهای ناگوار خویش و پس از کش و قوس های بسیار، مجبور به تجدید نظر در افکار و رفتار خود شد و آن را به صورتی جدید بازسازی کرد. در لیبرالیسم بازسازی شده که اوج آن در «دولت رفاه جلوه گر شد، آزادی از شکل سلبی عدم دخالت درآمد و تا حدودی شکل مثبت و جهت دار به خود گرفت لکن طراحان

و معماران «آزادی مثبت تنها در برخی ابعاد، آزادی لیبرالیستی را دگرگون ساختند. هدف آنها بیشتر تصحیح آزادی در حوزه اقتصاد و برخی امور اجتماعی بود که به صورت پذیرش دخالت و نظارت نسبی دولت در همین محدوده جلوه گر شد.آزادی در دیگر حوزه ها، به ویژه در عرصه فرهنگی دینی و اخلاقی هم چنان دست نخورده باقی ماند و صفت سلبی و بی هدفی خود را حفظ کرد. گویا آشکار بودن ناهنجاری های اقتصادی (و برخی امور اجتماعی چشم آنها را تنها بر ضعف ها و انحراف های اقتصادی و مانند آن گشود و در سایر موراد در غفلت لیبرالیستی باقی ماندند.

آزادی هدفدار

آزادی هدفدار، آزادیی است که به صورت مستقل و بریده از ارزش های دیگر تعریف نمی شود، بلکه در راستای هدف های کلی تر و در کنار اصولی دیگر، چون عدالت معنویت و... تنظیم می گردد. آزادی هدفدار، با توجه به گرایش کلی یک اندیشه یا نظام متفاوت است برخی تنها هدف مادی و راه ظاهری دارند و برخی در عین توجه به نیازهای مادی هدف های والاتری را در نظر دارند. ادیان راستی الهی از نوع دوم هستند.اسلام در رأس این مجموعه قرار دارد و امام حسین (ع) نمونه اعلای آن است آیین اسلام بر پایه «خدا محوری شکل گرفته است خداشناسی (در عقیده و خداگرایی (در عمل روح حاکم بر اسلام است امام حسین (ع) بزرگ مرد الهی بود و نهضت او یک «نهضت توحیدی . آن حضرت قیام خویش را با نام خدا آغاز کرد و با نام خدا ادامه داد و در آخرین لحظه نیز نام خدا بر زبان داشت نام خدا، در تمام این مراحل نه یک لفظ

و کلام که نشان از روح توحیدی حاکم بر آن است سرور آزادگان خود، هدف و ماهیت حرکت خویش را با صدای بلند اعلام کرده است آن جا که فرمود: انی ادعو کم الی الله و الی نبیه ..» من شما را به سوی خدا و پیامبر او فرا می خوانم ..» . سید الشهدا در جای جای سخنانش همواره بر این نکته تأکید کرده است که تقابل وی با بنی امیه تقابل الله و شیطان اطاعت و معصیت سنّت و بدعت عدل و ظلم و... است «به تحقیق می دانید که این قوم (بنی امیه به اطاعت شیطان چسبیده اند و از اطاعت خدا روی گردانیده اند. (در زمین فساد را آشکار کرده و حدود الهی را تعطیل کرده اند و...» آزادی حسینی از بطن همین تفکر برمی خیزد و بر بستر همین تعهد جاری می شود. بنابراین آزادی حسینی در پرتو توحید و تکامل توحیدی معنا و جهت پیدا می کند.نتیجه این بینش آن است که الف آزادی - در اصل - نیازی ضروری و حیاتی برای تکامل جامعه است و به هیچ روی نمی توان از آن چشم پوشید.ب محدودیت - در جایی که آزادی خطری برای اهداف یاد شده باشد - نیز اصلی لازم و غیر قابل اجتناب است و منحصر به موارد نظم و امنیت نیست ج فرایند دو اصل فوق این است که برخی آزادی هایی که مورد غفلت لیبرالیسم و مکتب های مادی دیگر واقع شده (و جای آن را محدودیت گرفته است در فرهنگ حسینی از اعتبار ویژه ای برخوردار است متقابلا برخی آزادی ها که در تفکر لیبرالی و مانند آن رسمی و قانونی است در بینش امام حسین

(ع) فاقد ارزش و اعتبار است (به جای آن محدودیت سازنده قرار گرفته است . البته نقاط مشترک متعددی بین آزادی اسلامی و آزادی غیر اسلامی – از جمله آزادی لیبرالی – نیز وجود دارد. همه این نکته ها – آزادی معقول و محدودیت معقول – جزء هدف های سرور شهیدان است که به وسیله خودآن حضرت به روشنی اعلام شده است خلاصه هدف امام حسین (ع) (خصوصا هدف آن حضرت در نهضت کربلا) مجموعه ای بود که آزادی و محدودیّت مطلوب – هر دو – در آن جای گاه خود را دارند و هم دیگر را تکمیل می کنند. سرور شهیدان در اعلان آغازین خود، وقتی انحراف هایی که هدف مبارزه وی است بر می شمارد، بر دو عنوان تأکید می کند: یکی «تحریم حلال و دیگری «تحلیل حرام .اولی «تجاوز به آزادی و دومی «تجاوز به محدودیت است امام یکی از گناهان بزرگ یزید را «تعطیلی حدود» (آزادی نادرست و «غصب اموال عمومی (محدودیت نادرست برمی شمارد. از این گونه سخنان – به صورت عام و خاص – در کلمات امام حسین (ع) فراوان است بنابراین آزادی حسینی آزادی بی رنگ و بی هدف نیست بلکه هدفی معقول و متعالی دارد.اکنون لازم است با توجه به آنچه گفته شد، آزادی در فرهنگ حسینی به صورتی ریزتر و ملموس تر، در برخی ابعاد، بررسی شود و تفاوت آن با آزادی غربی که در دموکراسی لیبرال نمود یافته بازشناسیم

آزادی های مدنی

هرچند آزادی مدنی بر آزادی های سیاسی نیز اطلاق می شود، ولی منظور ما از آزادی مدنی در این جا، آزادی های متنوعی است که جنبه سیاسی ندارد، مثل آزادی درسفر، آزادی در شغل آزادی در ازدواج و...

البته آزادی های مـدنی همچون محـدودیت های مدنی در اسـلام و غیر اسـلام بسـیار زیاد و گوناگون است و شـمارش آنها از حوصله این مقاله بیرون است (بلکه باید آنها را در علم حقوق جستجو کرد). در این جا اشاره ای اجمالی به آزادی های مدنی بـا توجه به رهنمودهـای امـام حسـین (ع) می شود. به طور کلی پیـامبر و اهل بیت از تحمیل چیزی خراج از چارچوب واجب و حرام (به اسـتثنای مواردی که اشاره خواهـد شـد)، دوری می کردنـد. همان گونه که گذشت امام حسـین (ع) یکی از انحراف هـای بنی امیه را حرام کردن حلال خـدا برمی شـمارد که همان سـلب آزادی خارج از حوزه شـرع است امیرمؤمنان (ع) نیز در مورد زکات - به مردم اعلام می کنـد، اگر مأموران وی چیزی بیشتر از «فریضه از آنان خواسـتند به آنها ندهند.در اینجا اندکی توضـیح لازم است به طور کلی احکام اسـلامی سه گونه انـد:الف - احکام ثابت اولیه همچون واجب بودن نماز، روزه حـج و حرمت دروغ غیبت غصب و...؛ب - احکام ثانویه که به عنوان ثانوی و با توجه به شرایط ویژه ای چون حرج اضطرار و... وضع شده است ج - احکام حکومتی که از سوی حاکمیت مشروع و بر اساس مسئولیت زمامدار دربرابر جامعه (در چارچوبی خاص جعل می شود؛ هماننـد تعیین کـارگزاران نصب فرمانـدهان فرمان جنگ و صـلح و برخی مقررات اجتماعی دیگر.احکام اولیه مبنای اصـلی در تکالیف فردی و اجتماعی است و حاکمیت بایـد حریم این گونه احکام - واجب و حرام - را نگه دارد.احکام ثانویه دایره ای محدود دارد و در چند عنوان خاص نظیر: حرج ضـرر،اضـطرار،... خلاصه می شود.بخش مهم و حساس احکام از نظر ارتباط

آن بـا آزادی - احکـام ِ حکومتی است زیرا احکـام حکومتی بیشتر بـا کارهـای مباح و جایز سـروکار دارد (نه واجب و حرام ؛ یعنی نوعـا کارهـایی که در اصل مباح است ممنوع یا واجب می کنـد؛ مثلا فروش کالا بیش از قیمت تعیین شـده را ممنوع می کنـد، یا خـدمت سـربازی را برای افراد واجد شـرایط الزامی می سازد و این یعنی «محدود سازی . اگر این محدودیت بر اساس معیارهای منطقی و صـحیح باشـد، پاسـخی درست به نیازهای معقول و ضـروری جامعه است وگرنه همان سـلب آزادی بـدون دلیـل است که در اسـلام و منطق حسـینی به شـدت مردود است همـان گونه که اشـاره شـد، قوانین حکومتی حساسـی ویژه ای دارد، زیرا از یـک سو،نظـام مـدیریتی جـامعه - چه دینی و چه غیر دینی - بـدون اختیارات حکومتی نظامی ناقص و ناکار آمد است و از سـوی دیگر، از این ابزار قـانونی ممکن است به درسـتی اسـتفاده نشـود و پی آمـدهای نـاگواری برای جـامعه به بـار بیـاورد. بایـد با دقت و وسواس از افراط و تفریط دراین زمینه دوری کرد.از دیـدگاه اهل بیت (ع) ایجاد محـدودیت به صورت قوانین الزامی و بازدارنـده درحوزه (مباحـات ، بـدون مصـلحت و مفسـده خـاص و بـدون اعمال دقت کار شـناختی نادرست و مردود است هرگونه مسـامحه و بی دقتی و یـا دخـالت دادن انگیزه هـای نفسـانی (از قبیل قـدرت طلبی گروه گرایی و...) ضـد بینش حسینی و خلاف شرع است اصل ولایت فقیه حتی در وسیع ترین نظریه فقهی نیز در همین چارچوب تشریع شده است به عبارت دیگر، اصل ولایت فقیه (چه انتصابی و چه انتخابی برای پاسخ گویی به نیازهای ثابت ومتغیر جامعه است و

نه صرفاً قدرت بخشیدن به فرد یا طبقه ای خاص البته آنچه گفته شد، آموزه ای کلی در مورد چگونگی اعمال اختیارات حکومتی است پرسشی که باقی می ماند، این است که ضمانت اجرایی این آموزه چیست آموزه ها همیشه به مرحله عمل نمی رسد، بنابراین احتمال دارد حاکمیت از این قدرت تقنینی و اجرایی استفاده ناصحیح ببرد و به زیان جامعه تمام شود. این یک پرسش اساسی و حیاتی است که نمی توان به سادگی از آن گذشت همان گونه که اصل حکومت و اختیارات تقنینی و اجرایی آن برای جامعه ضروری است وجود اهرم های نظارتی و بازدارنده برای جلوگیری از پیامدهای منفی آن نیز ضروری است دموکراسی لیبرال غرب حل این مشکل را در تفکیک و تجزیه قدرت (به سه قوه مجریه مقننه وقضائیه ، انتخابات و برخی راه کارهای دیگر جستجو کرده است اما راه حل اسلامی این مشکل نیاز به بحث مستقل دارد.در این جا تنها به دوعامل مهم که در سخنان امام حسین (ع) آمده است اشاره می شود: یکی از این دو عامل «درونی و دیگری «برونی است عامل درونی همان شرایط ویژه ای است که برای زمامدار بیان شده است در حدیثی که گذشت امام حسین (ع) شرایط متعددی برای رهبر و پیشوا بر شمرده بود که از جمله آنها تقوا، عدالت و خدا ترسی بود. این صفات و ملکات نقش مؤثر و بارزی در کاهش ضریب انحراف حاکمان دارد.عامل دوم نظارت مسئولانه و دقیق مردم بر عملکرد حکومت و اعتراض و دخالت و حتی قیام آنها بر ضد حاکمیت در صورت انحراف اصولی است این اصل حیاتی در نامه امام حسین به بزرگان کوفه – که

نقل شد – به روشنی بیان شده است «کسی که پادشاه ستمگری را ببیند که حرام های خدا را حلال می شمارد، پیمان خدا را می شکند، با سنت پیامبر مخالفت می کند، در میان مردم با گناه و ستم عمل می کند و او نه با گفتار و نه با کردار آن را دگرگون نکند، سزاوار است بر خدا که او را هم نشین وی (ستمگر) گرداند» .

آزادی روحی و معنوی

گفته شد، برخی از معانی و مصادیق آزادی در فرهنگ حسینی از جای گاه خاصی برخوردار است در حالی که غرب اهمیتی به آن نمی دهد.یکی از مهم ترین آنها «آزادی روحی و معنوی ؛ یعنی رهایی از اسارت هوا و هوس و امیال ِ حیوانی است بردگی هوای نفس – به تعبیر امیرمؤمنان (ع) – بدترین بردگی هاست امام حسین (ع) از این گونه افراد به «عبید الدنیا» (بردگان دنیا) تعبیر می کند.وقتی «حر بن یزید ریاحی پس از یک مبارزه سخت و نفس گیر با نفس خویش رو به سوی امام آورد و شمشیری که به نفع کوفیان از نیام برکشیده بود، بر سر آنها فرودآورد؛ امام در خطابی زیبا و پر معنا به وی گفتند: «انت الحر فی الدنیا و انت الحر فی الاخره تو در دنیا آزاده و در آخرت (نیز) آزاده ای .سعادت و کمال حقیقی جز با گذر از تنگنای نفسانیان و رسیدن به قله بلند «حریت معنوی امکان پذیر نیست هر فرد و گروه و ملتی اگر از تمام قید و بندهای ظاهری آزاد شده باشد، اما در بند امور مادی و نفسانی باشد، گرفتار بدترین بردگی ها وبندگی هاست چنین شخصی یا گروه یا ملتی در واقع «اسیر به ظاهر آزاد» است

امـام حسـین (ع) که نمـاد جاودانه «آزادی است بزرگترین منادی «آزادی معنوی است و آزادی ظاهری را بـدون آزادی باطنی ناچیز و کم ارزش می شـمارد، زیرا آزادی ظاهری زمینه ای است برای رسـیدن به آزادی حقیقی آن حضـرت در حدیثی جهاد را، که ابزاری برای رهایی است به جهاد واجب و جهاد سنت تقسیم می کند و نخستین جهاد واجب را «جهاد با نفس اعلام می کنـد.خلاصه اگر همه مردم در بیشترین فضای آزادی دست به گناه و معصـیت بزننـد و احکام خـدا را زیر پا بگذارند، در واقع بردگی جمعی خود را رقم زده اند.گفتنی است «آزادی معنوی تنها یک آموزه اخلاقی نیست بلکه - به گونه ای - بر کل نظام اجرایی و قانونی سایه افکنـده است و در تعبیری دیگر، این هدف قالبی حقوقی و قانونی دارد،ولی لیبرالیسم در نقطه مقابل آن قرار داد. اگر آموزه های لیبرالیسم ضد آزادی روحی نباشد - که در بسیاری از موارد چنین است - دست کم طرفدار و حامی آن نیست به همین دلیل مادی ترین و دشـمن ترین افراد نسـبت به دین و خـداپرستی نظیر «هولباخ و برخی از لیبرال های عصـر روشـنگری به ویژه در فرانسه نیز زیر چتر لیبرالیسم به چشم می خورند. اگر گروه هایی به عنوان دموکرات مسیحی در اردوگاه غرب دیـده می شود: اولاً، چنان جنبه دینی آنان کم رنگ و بی رمق است که چنـدان اثر اجرایی ندارد و ثانیاً، همین مقدار نیز از بطن لیبرالیسم برنخاسـته است بلکه از الحـاقی ای برخی گرایش هـا به لیبرالیسم است خلاـصه یکی از مشـکلات اساسـی در سامان دهی آزادی تعارض انواع آزادی ها بایک دیگر، به ویژه تعارض آزادی ظاهری با آزادی معنوی و روحی

است حل این مشکل و به طور کلی ارائه طرحی جامع از آزادی که تعارض ها – تعارض آزادی با اصول دیگر (چون عدالت امنیت و...)، تعارض آزادی های ظاهری با یک دیگر (نظیر تعارض آزادی عمل کارگر با آزادی عمل کارفرما) تعارض آزادی معنوی با آزادی ظاهری – به صورتی صحیح سامان یابد، کاری ظریف دقیق تخصصی و در عین حال دشوار است که تنها در سایه آموزه های دینی امکان پذیر است و تفصیل آن به جای خود موکول می شود.

آزادی سیاسی

نفی حکومت ظالمانه

یکی از بارزترین اهداف امام حسین و نهضت عاشورا، مبارزه با ستمگری و خودکامگی و نفی حکومت فاسد و نامشروع بوده است «من رأی سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله، ناکثا لعهد الله، مخالفا لسنه رسول الله،یعمل فی عبادالله بالاثم والعدوان ثم لم یغیر علیه بقول ولا فعل کان حقا علی الله أن یدخله مدخله ؛ کسی که پادشاه و حاکم ستمگری را ببیند که حرام های خدا را حلال می شمارد، پیمان خدا را می شکند، با سنت رسول خدا مخالفت می کند و در میان بندگان خدا به گناه و ستم عمل می کند، و او، نه به گفتار و نه با کردار، آن را دگرگون نسازد، سزاوار است بر خدا که او را هم نشین وی سازد» .از دیدگاه سید شهیدان ستم کردن «در قالب حکومت و غیر حکومت و ستم پذیرفتن هیچکدام در شأن انسان نیست تن دادن به ظلم و لب فرو بستن در برابر آن به مفهوم سقوط از «کرامت انسانی است ظلم پذیری با عزت انسانی ناسازگار است «انی لا اری الموت الا سعاده والحیاه مع الظالمین الا برما؛ من مرگ را جز سعادت و

زندگی با ستمگران را جز ملالت و دل تنگی نمی بینم .هم چنین از آن حضرت نقل شده است «موت فی عز خیر من حیاه فی ذل مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است » در فرهنگ امام حسین (ع) و اهل بیت «ظلم ، «کمک به ظلم ، «رضایت به ظلم و حتی «سکوت در برابر ظلم (در جایی که اعتراض ممکن باشد)، مردود و باطل و خلاف شرع است حادثه عاشورا نماد عظیم ظلم ستیز اهل بیت است به طور کلی دراسلام اصل حاکم بر شئون و روابط اجتماعی «عدالت ، «حق و پرهیز از زورگویی و تجاوز گری است این اصل در مسئله حکومت و حاکمیت از ضرورت و حساسیت مضاعفی برخوردار است تا آن جا که به گفته امام حسین (ع) جز انسان عادل و وارسته کسی شایستگی رهبری جامعه اسلامی را ندارد: «فلعمری ما الامام الا الحاکم بالکتاب القائم بالقسط الدائن بدین الحق الحابس نفسه علی ذلک لله؛ به جان خودم سوگند! امام و پیشوا نیست مگر کسی که به کتاب خدا حکم کند، به دادگری قیام کند، به دین خدا عقیده مند باشد و خود را بر آن به خاطر خدا، وقف کند» .خلاصه امام حسین (ع) به شدت مخالف نظام جابرانه و ستم پیشه و هرگونه ستمگری است از دیدگاه آن حضرت حکومت دل بخواهی چه در ساختار و چه در عمل کرد، مردود و باطل است با این حال بین تفکر حسینی و تفکر لیبرالی در این بُعد از آزادی در عین برخی اشتراک ها، تفاوت عمده ای وجود دارد. درست است که مکتب امام حسین (ع) و مکتب لیبرالیسم هر دو با

نظام ستمگر و غاصب مخالفند، اما معیار ظالمانه بودن حکومت چه از لحاظ شخص حاکم و چه از لحاظ عملکرد وی از دیدگاه این دو مکتب در همه موارد یکسان نیست یعنی در منطق امام حسین (ع) برخی زمامداران غاصب و فاقد صلاحیت تلقی می شوند، در حالیکه در فرهنگ لیبرالی قانونی و مشروعند. متقابلاً برخی نظام ها از دیدگاه حسینی مشروع و قانونی اند، در حالی که در قاموس لیبرالی عکس آن است لیبرالیسم برای شخص زمامدار حداقل شرایط قائل است هرکس به سن مجاز رسیده باشد و حداکثر، فاقد پیشینه محکومیت باشد و از سوی یک حزب (در برخی کشورهای غربی یا تعدادی از شخصیت های مشهور(در برخی کشورهای دیگر غربی تأیید شود و اکثریت آرا را نیز به دست آورد، حکومت او مشروع و قانونی است بر اساس این دیدگاه انسان منحرف فاسق و غیر پای بند به معیارهای دینی در صورتی که از نظر قانونی جرمی مرتکب نشده باشد، همان اندازه حق قانونی برای ریاست کشور دارد که انسان صالح و عادل و معتقد به مبانی دینی جوهر لیبرالیسم بر نفی دخالت عناصر ارزشی دینی در صلاحیت زمامداران است اما بینش حسینی چنین تسامح و اکتفا به حداقل را نمی پذیرد، بلکه حائز بودن مرتبه بالا-یی از آگاهی تعهد، تقوا (به اضافه مدیریت و کاردانی و...) را برای زمامدار و رهبر لازم می داند. در سخنانی که از امام (ع) نقل شده فرمود: امام و پیشوا نیست مگرحکم کننده به کتاب خدا، قیام کننده به عدالت عقیده مند به دین و...).در زمان حضور معصوم حکومت تنها حق امام معصوم (ع) می باشد که عالم ترین عادل ترین و کامل ترین

انسان است دیگران حتی اگر اکثریت مطلق آرا را به دست آورنـد، حکومت آنها فاقـد مشـروعیت است (هرچنـد ممکن اسـت امام در چنین شـرایطی - به خاطر فقـدان زمینه و امکانات - اقـدامی برای به دست گرفتن حکومت نکند).در زمان عدم حضور معصوم نیز زمامـدار بایـد - حـتی المقـدور - حـائز شـرایط ممتـاز یـاد شـده باشـد، تـا از عهـده اداره جـامعه ارزشـی مسـلمانان برآید.مشروعیت حاکم در بُعد عملکرد نیز در نظام اسلامی و نظام لیبرالی تفاوت آشکاری دارد. از دیدگاه غرب حکومتی که خود را متعهـد به برنامه هایی چون اجرای حـدود الهی (از قبیل اعدام قاتل قطع دست سارق شـلاق زدن زناکار و شـراب خوار و..)،هم چنین الزام به رعایت حجاب اسـلامی و... می دانـد، حکومت سـتم پیشه و ضد حقوق بشـر است در حالی که در تفکر سیاسی امام حسین (ع) نظامی که برنامه های یاد شده را اجرا نکند، ستمگر و فاقد مشروعیت است امام (ع) یکی از دلایل عدم مشروعیت حکومت بنی امیه را «تعطیل کردن حدود الهی و «پایمال کردن سنت نبوی برمی شمارد.

آزادی سیاسی

آزادی انتقاد از زمامداران

امام حسـین (ع) به خاطر ضـعف و سـستی و نفاق مردم موفق به برقراری حکومت اسـلامی نشـد؛ از آیین رو ما چیزی به عنوان سیره حکومتی امام حسـین (ع) در دست نـداریم اما امام در وصـیت نامه الهی - سیاسـی خود اعلام کرد که هدف من برقراری حکومتی است که با روش و منش پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین (ع) اداره شود (.. و اسـیر بسـیره جـدی و ابی علی بن ابیطالب . از مجموع سخنان آن حضرت و سیره پدر بزرگوارایشان می توان چگونگی «آزادی بیان در نقد حاکمان را به دست

آورد.به طور کلی سؤال و پرسش به منظور راه یابی به حق و حقیقت در فرهنگ اهل بیت از جمله امام حسین نه تنها مجاز بلکه کلید آگاهی و دست یابی به حقیقت است امیرمؤمنان (ع) از طرح پرسش در مورد مهم ترین و مقدس ترین اصول اعتقادی همانند توحید و خدا شناسی آشفته نمی شد و با عنایت و توجه خاص پرسش کننده را راهنمایی و هدایت می کرد. مکتبی که رسالت آن ایمان و آگاهی بخشی به مردم و پرورش پیروان فهمیده و متعهد (و نه تسلیم شدگان چشم بسته است حتما باید از منطق نیرومند روشنگری و پاسخ گویی برخوردار باشد. وقتی برخی اعراب تازه مسلمان شده اظهار داشتند: «ما ایمان آوردیم ، قرآن به این اعتراف (اسلام بدون معرفت و باور) دل خوش نمی کند، بلکه با صراحت خطاب به آنها می گوید: «نگویید ایمان آوردیم بلکه بگویید اسلام آوردیم تسلیم شدیم زیرا که هنوز ایمان و طبعا معرفت و آگاهی در دلهای شما وارد نشده است » .آزادی بیان در اندرز و نقد حاکمان یکی از سیاست های قطعی اعلام شده و مورد تأکید امیرمؤمنان (ع) است این نیز یکی از شگفتی های حکومت علوی (و سیاست دینی است در زمانی که حکومت استبدادی شیوه رایج در دنیا بود و حتی در فرهنگ مردم نیز - تا حدودی - پذیرفته شده بود، فرمانروایی چون علی (ع) از مردم می خواهد با شیوه ستمگران و جباران با او سخن نگویند و از نظارت بر عملکرد وی و نصیحت و اندرزدر حق او دریغ نورزند. صد حسرت و افسوس که مردم ارزش این بزرگ مرد الهی (وفرزندانش را نشناختند و در نتیجه همین

«ولایت شناسی گرفتار پست ترین ولایت ها گردیدند! (آری این است عبرت خون بار تاریخ .در هر صورت در حکومت علوی حتی خوارج که مخالفان کینه توز امیرمؤمنان (ع) بودند، در بیان آرای سیاسی خود، به هر دلیل (به عنوان اولی یا ثانوی آزاد بودند و تا زمانی که حرکت نظامی از آنها سرنمی زند، حتی سهم آنها را علی (ع) از بیت المال قطع نمی کند. اهمیت و شگفتی مسئله زمانی روشن تر می شود که بدانیم آن حضرت دقت و حساسیت فوق العاده ای به بیت المال داشت به گونه ای که حتی از پرداخت یک دینار اضافه یا قبل از موعد، به نزدیک ترین نزدیکان خود،که گاه نیاز هم داشتند، امتناع می ورزید (به راستی هم این سخت گیری و هم آن گذشت شگفت آمیز است .با همه آنچه گفته شد، آزادی بیان علوی و حسینی (در مورد مخالفان سیاسی با آزادی غربی نیز یکسان نیست آزادی بیان در فرهنگ علوی نسبت به کسانی همچون خوارج از باب تسامح و «گذشت است نه این که آنها شرعا حق مخالفت داشتند. به تعبیر دیگر، اعتراض مغرضانه خوارج به امام یکی عمل حرام و خلاف شرع بود، زیرا کار شکنی در برابر امام معصوم یکی از گناهان بزرگ شمرده می شود: «الراد علیهم کالراد علی الله» ، ولی امام با توجه به فلسفه و مصالحی که در نظر داشت از آن چشم پوشی و گذشت می کرد. پس آزادی بیان در مورد چنین مخالفانی در واقع به معنای عدم مجازات است نه جایز بودن و حق داشتن چیزی که مطالب بالا را تأیید می کند، این است که امیرمؤمنان (ع) حتی اغماض ها و گذشت های بالاتری که در کشورهای لیبرالی

معمول نیست در حق مخالفان انجام می داد. با اینکه آن حضرت می دانست طلحه و زبیر به قصد شورش و حرکت مسلحانه از مدینه بیرون می روند و با این که آنها (پس از خروج حاکم منصوب آن حضرت در بصره را به صورت خیانت آمیزی شکنجه و اخراج کرده بودند.با این حال امام جنگ با آنان را آغاز نکرد و از سرکوبی آنان جلوگیری کرد، تا آن که دشمن در میدان جنگ رسماً با تیراندازی به سربازان امیرالمؤمنین (ع)، جنگ ِرو در رو را آغازکرد. آیا این خودداری از سرکوبی شورش گران – تا آخرین لحظه – به مفهوم حق داشتن طلحه و زبیر به اشغال بصره و اخراج حاکم آن بود؟ قطعاً جواب منفی است پس آزادی دراین گونه موارد، به مفهوم اغماض و عدم مجازات در عین گناه و خلاف بودن عمل است نه حق داشتن و مجاز بودن اما آزادی بیان غربی حتی به انحرافی ترین افکار و فساد انگیزترین مطالب از باب «حق است یعنی شهروند حق دارد، هرگونه مطلب باطل و انحرافی را بیان کند و به تبلیغ آن بپردازد، نه این که (در صورت انحرافی بودن آن را گناه و معصیت بشمارد و در عین حال از مجازات آن چشم پوشی و گذشت کند و بین این دو نوع آزادی بیان تفاوتی عمیق است آزادی بیان در فرهنگ حسینی و علوی تفاوت دیگری نیز با نوع غربی آن دارد.در جایی که امر به معروف و نهی از منکر واجب باشد، آزادی بیان به صورت «وجوب بیان در می آید». یعنی نه تنها مردم حق دارند به انحراف های فکری و عملی حکومت اعتراض

کننـد، بلکه این کار وظیفه شـرعی آنان است و اگر بدین وظیفه عمل نکنند، گناه کار خواهند بود.اما در غرب - همانگونه که گـذشت - آزادی بیان چه خوب و چه بـد به عنوان «حق شـناخته می شود (که می توان آن را اعمال کرد یا نکرد). اگر کسـی در مقابل کجی ها و انحراف ها اعتراض کنـد (حداکثر) فردی با وجدان و مسـئول شـناخته می شود.خلاصه آزادی بیان مطرح در غرب وقتی با معیارهای اسـلامی سـنجیده شود؛ برخی مصادیق آن (هماننـد ترویـج فساد و انحراف و بی بنـد و باری ممنوع برخی موراد آن (ماننـد سـخنان و تبلیغات خوارج گناه ولی بدون مجازات دنیایی برخی مصادیق آن (مثل موارد امر به معروف ونهی از منکر) واجب و در سـایر موارد، مباح (به مفهوم عام است از مطالب گذشـته روشن می شود، کسانی که برای توجیه و تأیید اعلامیه حقوق بشـر و اعلامیه انقلاب فرانسه در مورد آزادی بیان به سـیره حکومتی امیرالمؤمنین (ع) تمسک می کنند، با این ادعـا که مفـاد این دو اعلاـمیه همان چیزی است که هزار و چندصـد سال پیش اسـلام بیان کرده است مشـتمل بر نوعی بی دقتی و مسامحه است البته آزادی بیان در اسـلام - همان گونه که اشاره شد - رسمیت دارد، لکن تعریف و ویژگی هایی دارد که آن را از نوع غربی آن ممتاز می کند.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

